

اهمیت و بیمه های اجتماعی

از اوایل قرن بیستم در تمام دنیا جنبش‌ها و فعالیت‌هایی برای از بین بردن فقر عمومی و بهبود وضع اجتماعی و تأمین زندگی مردم شروع شده است. برنامه دولتهای زنده جهان تأمین رفاه عمومی و وصول بامنیت اجتماعی میباشد. افراد و ملل هر دو دائماً در پی استحکام مبانی امنیت زندگی خود هستند قسمتی از این کوششها مربوط به بهبود وضع شخصی افراد و رفاه خانواده‌هاست.

اصطلاح «امنیت اجتماعی» نخستین بار در ایالات متحده آمریکای شمالی در سال ۱۹۳۵ مورد استعمال قرار گرفت. در آن هنگام بیکاری روز افزون وضع زندگی پیران و قربانیان بحرانهای اقتصادی پی در پی آندولت را وادار ساخت که قانون امنیت اجتماعی (Sociol Security act) را از کنگره بگذراند و برای اولین دفعه دولتی که خودبزرگترین طرفدار رویه اقتصاد آزاد بود مجبور بمداخله در امور مربوط بکار گردید.

چنانچه آزادی اقتصادی در مسائل مربوط باستخدام همچنان رعایت میشد کارگر یامستخدم مجبور بود که با حقوق کمتری از حق خود بکار ادامه دهد. بعلاوه بدون وجود مقررات صحیح و مدرنی همیشه در معرض مخاطرات حوادث ناشی از کار، امراض حرفه‌ای، پیری و از کار افتادگی قرار میگرفت و در چنین شرایطی تنها و بدون پشت و پناه و منبع و ذخیره مالی باقی میماند. و از همین جا این فکر پیش‌آمد که در اجتماعی متشکل و آسوده دیگر فرد هم آنقدرها آزاد نیست که بیکار بماند و یا اگر بکاری دست زد حمایتی از وی بعمل نیاید. با این نظر امنیت اجتماعی برای دولت نوعی وظیفه است و دولت می‌تواند بمنظور حفظ مصالح افراد و خانواده‌ها و اجتماع آنها بصورت بیمه‌های اجتماعی تدوین و بتمام یا دسته‌ای از اتباع خود تحمیل کند. فکر اجباری کردن بیمه‌های اجتماعی برای اولین بار در آلمان بسال ۱۸۸۳ بصورت قانون عملی شد و توجیه عمل آن نیز این بود که دولت بایستی با بهبود شرایط زندگی و حمایت، طبقه کارگر را با دولت پیوند دهد. این اقدام دولت آلمان نفوذ زیادی بر قانونگزاری کشورهای دیگر باقی گذارد و بسال ۱۸۸۴ قانون مربوط بحوادث کار در انگلستان از مجلس آنکشور گذشت. و این قانون نیز بنوبه خود منشاء قانونگذاری کشورهای دیگر شده است.

نهضت پی‌ریزی امنیت اجتماعی پس از جنگ بین‌الملل اول و با ایجاد دفتر بین‌المللی کار قدرت تازه‌ای گرفت و بهبود شرایط کارگران با ایجاد دفتر نامبرده در قرار دادهای صلح ورسای تأیید گردید.

فرانسه در سال ۱۹۳۰ بیمه‌های اجتماعی کار و سپس در سال ۱۹۳۲ کمک‌های خانوادگی کارگران را پذیرفت.

جنگ بین‌الملل دوم بمراتب بیش از جنگ اول ملل را وادار باصلاحات اجتماعی

و تأمین زندگی طبقه زحمتکش کرد. در اوایل سال ۱۹۴۱ روزولت رئیس جمهور فقید آمریکا در پیامی که بکنگره فرستاد «آزادی مربوط با احتیاجات» را در شمار آزادی‌های اساسی بشری شمرد و کمی بعد در منشور آتلانتیک ملل متحده «آزادی ایجاد و وصول به همکاری کامل بین دول را در امور اقتصادی بمنظور تأمین تمام لوازم و شرایط صحیح کار و پیشرفت اقتصادی و بیمه‌های اجتماعی اعلام داشتند» و نیز سازمان بین‌المللی کار در کنفرانس فیلادلفی «توسعه اقدامات مربوط بامنیت و رفاه اجتماعی را بمنظور تأمین حد اقل درآمد لازم برای تمام افرادی که باین حد اقل نیاز دارند توصیه» کرد.

نظرات فوق منبع و محرک برنامه‌های اجتماعی دول بوده اند. طرح و عقاید بوریج در ماه ژوئن سال ۱۹۴۱ دولت انگلستان کمیته‌ای بمنظور تهیه و طرح‌های اقتصادی و گزارش بیمه و اصلاحات اجتماعی تشکیل داد و سر ویلیام بوریج (Sir William Beveridge) ریاست کمیته نامبرده انتخاب شد. طرح اول بوریج در نوامبر سال ۱۹۴۱ تقدیم پارلمان انگلستان گردید و نه تنها در سراسر انگلستان بلکه در تمام محافل اقتصادی جهان مورد توجه قرار گرفته و علمای اقتصاد هر کشور کوشیدند آنچه مناسب اوضاع و احوال مملکتشان باشد از طرح بوریج اقتباس نمایند. سبب تأثیر عمیق این طرح در انگلستان و سایر کشورها بسیار آشکار است چه این طرح اصل اصلاحات و امنیت اجتماعی را تأکید و دنبال کرده و محور فقر عمومی را بعنوان هدف تصریح داشته است.

بوریج بیشتر از نظرات اقتصادی «کینز» دانشمند مشهور اقتصادی الهام گرفته و میگوید که امنیت اجتماعی بایستی با اقدامات اقتصادی زیاد و معینی از طرف دولت همراه باشد. بنظر بوریج فقر و بالنتیجه عدم امنیت فردی زائیده دو علت است یکی وقفه‌ای که در کار اشخاص پیدا می‌شود و دیگری هزینه سنگین خانواده‌های معیل ایندو عامل را بوسیله اعطای کمک بخانواده‌های معیل و کاریابی و تضمین کار برای افراد می‌توان از بین برد دولت باید حد اقل مزد را تأمین نموده و بقدر کافی کار ایجاد کرده و در بالا بردن سطح زندگی افراد کوشش نماید. طرح بوریج با عده‌ای از فرمهای اقتصادی و اداری همراه است و بدون آنها عقیده دارد که اصلاحات اجتماعی امکان پذیر نخواهد بود. بنظر وی ازدیاد محصول و افزایش ثروت فقر عمومی را از بین نمی‌برد بلکه علاج فقر و حصول امنیت اجتماعی در توزیع عادلانه ثروت بین افراد ملت میباشد. باین ترتیب و در درجه اول کاریابی از پایه‌های اصلی امنیت اجتماعی است دولت باید برای تمام کارگران حاضر بکار و دستمزد مناسب تأمین نماید و بیکاری را زایل سازد.

ولی از طرف دیگر ضمانت اقتصادی یک فعالیت شخصی وقتی صحیح و عملی است که خود فرد در شرایط کار کردن باشد. امنیت اجتماعی بنا بر این فقط تأمین کار و دستمزد نیست بلکه باید برای کار کردن نیز شرایط لازم و مناسبی وجود داشته باشد. در اینجا بخودی خود مسئله مورد بحث ما بمسئله جلوگیری از امراض یا حوادث ناشی از کار مربوط میشود چه وقوع حوادث مزبور و یا امراض حرفه‌ای ادامه زندگی کارگر را بخطر افکنده و وی را از دستمزد محروم و از اداره زندگی خانواده خود عاجز میسازد.

ولی هر قدر سیاست اقتصادی و قوانین کار دولتها صحیح باشند باز هم بیکاری

و وقوع وقفه در کار افراد از بین نمی‌رود. مرض و ناخوشی بطور قطع قابل جلوگیری نمی‌باشد و وقفه در کار ممکن است بعلت از کار افتادگی، پیری و وضع حمل پیش بیاید و بنا براین بایستی منبعی باشد که بتوان از آن منبع مزد این چنین روزها را تأمین نمود. و در همینجا امنیت اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی کاملاً یکی می‌شود. ولی دامنه و وسعت امنیت اجتماعی بخودی خود وسیع‌تر از بیمه‌های اجتماعی است. امنیت اجتماعی هدف وسیعی است که بایستی بان رسید بیمه‌های اجتماعی وسیله‌ای برای رسیدن باین هدف بحساب می‌آید دیگر اینکه بیمه‌های اجتماعی از نظر منطقه عمل و شمول از جنبه‌های متعدد امنیت اجتماعی محدودتر بنظر می‌رسد. زیرا بیمه‌های اجتماعی فقط بکارگران حقوق بگیر و حتی گاهی بعد از آنها تعلق می‌گیرد و بعلاوه فقط عده مشخصی از حوادث و مخاطرات را در بر می‌گیرد و تضمین و حمایت از خطر نیز بادستگاه مأمور وصول حق بیمه یعنی بیمه‌گر است و دولت مستقیماً تعهد مالی زیادی در این جریان بعهد ندارد.

ولی روشن است که حفاظت بر علیه مرض، پیری، بیکاری و کمی حقوق در برابر مخارج خانوادگی را نمیتوان بطبقه مخصوصی از اجتماع و یا کارگران محدود کرد. و فقط وقتی کار بیمه اجتماعی کامل می‌شود که شامل تمام جمعیت کشور باشد بنابراین عمومی کردن بیمه‌های اجتماعی هدف منطقی امنیت اجتماعی هر کشور می‌باشد. ولی هدف تعمیم و توسعه مانع از آن نیست که مخاطرات و بالتیجه بیمه‌ها طبقه‌بندی شده و هر یک وابسته بمقررات و سازمان و یا حرفه و صنعت بخصوصی باشد.

نظر بورج نیز چنین است ولی می‌گوید که چون غالباً حوادث ناشی از کار و کمکهای مختلفه بکارگران رشته‌های مختلفه صنایع باهم شباهت دارند مالا سازمان واحد و متمرکزی مأمور اجرای بیمه‌های اجتماعی خواهد گردید. هدف بیمه‌های اجتماعی اینست که قطع درآمد بکارگر (حادثه، مرض، پیری) و مخارج استثنائی (عروسی، وضع حمل، تولد اولاد) را جبران نماید. با این نظریه‌های اجتماعی و امنیت اجتماعی در همه جاییک هدف می‌رسند. قبل از ابداع بیمه‌های اجتماعی (بمنظور وصول بامنیت اجتماعی) در دنیا مقرراتی ناقص و بعضاً دلخواه (یکطرفه از طرف کارفرمایان) در کشورهای صنعتی جهان وجود داشتند. این مقررات غالباً مربوط بحوادث ناشی از کار بوده و بدلخواه کارفرما و بمقتضای درآمد مؤسسه مورد تعدیل قرار می‌گرفتند. بیمه‌های اجتماعی جدید بنحوی که جنبه‌های مختلفه آن اختصاراً در فوق بیان گردید تحولاتی نیز در فن بیمه و مقررات مربوط بان پدید آورد. از این بعد نظر ضمانت فرد یا افراد معینی بر علیه مخاطرات مشروحتی در بین نیست بلکه ترمیم و جبران قلت درآمد و حتی فقدان آن برای همه کارگران منظور نظر است و لزومی ندارد که بین حادثه ایجاد شده پرداخت بیمه‌گر و وجهی که کارگر می‌پردازد نسبتی وجود داشته باشد. حتی در بعضی کشورها میزان نفع و ضرر دستگاه بیمه اجتماعی فراموش شده و دولت مسئول پرداخت کمبود وجوه مربوط به بیمه‌های اجتماعی است. اقتصاديون این وظیفه دولت را ناشی از شرکت مؤثر افراد در تولید ملی میدانند و بهمین علت است که دولت باید سازمان امنیت اجتماعی را زیر نظر گرفته و اطمینان حاصل کند که وضع بهداشتی افراد بنحو رضایت بخشی باقی مانده و حداقل منطقی سطح زندگی تأمین شده باشد.

قوانین بیمه‌های اجتماعی در درجه اول دامنه عمل خود را تعریف و معین می‌کنند. چنانچه نتایج اقتصادی، مرض، حادثه، از کار افتادگی و پیری و مرگ و انواع کمک‌های خانوادگی را در نظر بگیریم. باین نتیجه میرسیم که هدف امنیت اجتماعی نگهداری سطح زندگی مناسبی برای بیمه شده و خانواده‌اش میباشد و این نظروسيله قوانین بیمه‌های اجتماعی عملی میگردد.

تمایل عمومی در تمام کشورهای متری دنیا اینست که بیمه‌های اجتماعی روز بروز توسعه و تعمیم بیشتری پیدا کرده و باکمال تمام افراد مردم را شامل گردد. باید گفت امروز قوانین بیمه‌های اجتماعی لااقل و ابتدائی کارگران یعنی آنهایی که فقط قرارداد کار وابسته بکارگاهی هستند را در برمیگیرد ولی در کشورهای پیشرفته دامنه عمل بیمه‌های اجتماعی خیلی وسیع تر بوده بعضاً شاگردان مدارس فنی و معلمان آنها را نیز وابسته بخود میسازد.

کمک‌هایی که توسط بیمه‌های اجتماعی بعمل میآید: هدف اساسی بیمه‌های اجتماعی ترمیم نتایج امراض حوادث و مشکلات خانوادگی است.

۱ - مرض - بشر همیشه در تهدید امراض مختلفه قرار داد و بعلاوه وضع جسمانی او بتدریج رو بفرسودگی است. بلا شك بایستی مرض را معالجه کرد ولی چنانچه مریض ضمن ادامه معالجه بکار روزانه پردازد نه فقط معالجه نمیشود بلکه افرادی که دارای درآمد ضعیفی هستند پول کافی برای خرید دارو و درمان ندارند. بنابراین چنین کسانی خطر مرض در دو چیز است. از دست دادن سلامتی و فقدان وسایل که برای بقاء و ادامه زندگی لازم است. بیمه‌های اجتماعی نه فقط متوجه شخص مریض است بلکه بایستی پدر و مادر تحت تکفل کودک و خانواده وی را حفظ کند.

بیمه مداوای امراض بدون شك بزرگترین قسمت بیمه‌های اجتماعیت. در این مورد بایستی سه هدف مهم زیر توجه کافی مبذول داشت:

پرداخت حقوق کارگر بیمار.

تضمین معالجه (دارو، پزشک)

پیش گیری امراض و حوادث یا از کار افتادگی.

بنا بر این علاوه بر معالجه هدف بیمه‌های اجتماعی ترمیم حقوق روزهای استراحت میباشد پرداخت تمام حقوق و دستمزد در اینجا مورد نظر نیست بلکه فقط نگهداری حد اقل از سطح زندگی در دوران بیماری منظور نظراست دلیلی که علمای فن در این قسمت آورده‌اند اینست که کارگر مریض بایستی فقدان قسمت غیر مؤثری از دستمزد خود را حس کند در اینصورت علاقه وی به بازگشت بزنگشت عادی افزایش خواهد یافت و خطر تمارض اشخاص تنبل نیز از بین میرود. در بعضی از قوانین بیمه‌های اجتماعی پرداخت دستمزد ایام بیماری از روز چهارم استراحت یا بستری شدن شروع میشود. معالجه امراض باعضاء خانواده بلافصل کارگران نیز تعمیم داده شد و آنان نیز از مداوا و داروی رایگان استفاده مینمایند. باین ترتیب بیمه‌های اجتماعی از عوامل مؤثر بهداشت ملی بحساب میآیند.

۲ - از کار افتادگی و مرگ:

بیمه‌های اجتماعی مزد مناسبی برای دوران از کار افتادگی برای کارگران پیش‌بینی و در صورت مرگ زندگی خانواده وی را تأمین مینماید. مرگ بعلت طبیعی وابسته بامر بازنشستگی و بعلت ناشی از کار مشمول مقررات مخصوص و عادلانه تری است. دو نوع از کار افتادگی متصور می‌باشد: مربوط بجهت جسم و وابسته بحرفه مخصوص یعنی ناشی از طبیعت کار، اولی را از نظر کاملاً طبیی بررسی کرده و برای آن درجاتی تعیین و به نسبت آنها نرخهایی را مقرر می‌کند. در دومی از کار افتادگی به فعالیت شغلی و میزان آن معین میشود و قصد تعیین مقرر به نسبت سن و قابلیت و استعداد بعدی کارگر میباشد و امکان ارجاع شغل مجددی به نسبت استعداد باقیمانده در این مورد زیاد است

حوادث ناشی از کار :

یکی دیگر از مهمترین کمکهای بیمه‌های اجتماعی کمکهایست که در حوادث ناشی از کار نسبت بکارگران آسیب دیده معمول میگردد. وظیفه بیمه گرد در این مورد تأمین خسارات و مخارج طبیی علاوه بر حقوق دستمزد است. در این مورد میزان غرامت یا دستمزد بمراتب بیش از نتیجه امراض یا حوادث طبیعی است و بعلاوه صرف تشخیص پزشکی صنعتی کافی بوده و ثبوت امر بعهد کارگر بیمه شده نمی‌باشد.

بیمه‌های اجتماعی حوادث بین مسکن کارگر و محل کار را در حین آمد و رفت عادی بکارگاه نیز شامل میگردد.

۴ - پیری :

پرداخت‌های این قسمت را می‌توان از دو جنبه تفسیر کرد. از نقطه نظر حقوق بازنشستگی این پرداخت در برابر خدماتی است که شخص طی دوران فعالیت خود با اجتماع کرده است و چون به سن معینی رسیده حق استراحت و دریافت کمک پیری را دارد که در اثناء عمری کار و کوشش راحت زندگی کند. از جنبه دیگری پیری را مانند از کار افتاده فرض مینمایند کم شدن قدرت تولید محصول فرسودگی روحی و زیادی سن شخص را مستحق دریافت حقوق دوران پیری و قطع فعالیت شغلی مینماید.

دو استدلال فوق‌الذکر لزوم آداری نتایج مشترکی نمی‌باشند چه اگر سن بازنشستگی را بیشتر پائین بیاوریم ممکن است میزان تولید ملی بالاتر باشد. و بعکس این ملاحظات اقتصادی در مورد دوم استدلال ما صحیح بنظر نمیرسد. چه طبیعت کم و بیش سنت کار و حتی جنس (Sex) از عوامل مؤثر برای تعیین سن بازنشستگی هستند. معهذا بین بازنشستگی بعلت سن و بازنشستگی بعلت فرسودگی جسمی و نوع کار فرق هست. جنبه مالی این نوع کمک نیز بسیار مهم است چه تمام سعی بیمه‌گر معطوف باین نکته است که وجوه جمع‌آوری شده از کادر مشغول بکار را بین متقاعدین قسمت نماید.

۵ - کمکهای خانوادگی - در هر رژیم امنیت اجتماعی کمکهای خانوادگی

مهمترین مقام را دارند. آمارها ثابت کرده در کمکهای فوق‌الذکر در رفاه خانواده‌ها مؤثر بوده و میزان تولید را بالا برده‌اند در دوران فعلی تمام خانواده‌ها کم و بیش با اشکالات اقتصادی گوناگونی روبرو هستند. از طرف دیگر در مواردی که بعلت اقتصادی و سیاست

مخصوص دولتها نمی‌توان سطح دستمزد را در کشور بالا برد این کمک‌ها اهمیت بیشتری کسب مینمایند. پس از جنگ بین‌الملل دوم وضع قوانین مربوط به این قبیل کمکها و بیمه‌های اجتماعی کمک زیادی به سیاست پولی دولتها کرده است. اعطاء این کمکها بعلت داشتن شغل معین یا اهمیت آن نیست بلکه غالباً بستگی بتعداد اعضاء خانواده‌ها و اهمیت مخارج جاریه آنها دارد. این کمکها غالباً بنفع کودکان خانواده یا اشخاصی که بعلت وضع حمل یا بیکاری قادر بکار کردن نیستند وضع میگردد.

قانون ۲۲ ماه اوت ۱۹۴۶ فرانسه این قبیل کمکها را بچهار دسته تقسیم کرده است.

اول وضع حمل فوق‌العاده و کمک برای کودکان که در سالهای اول ازدواج متولد میشوند و اشتباه نشود این کمک برای مخارج زایمان نیست بلکه برای مخارج اولیه کودکی است که در سالهای اول بخانه والدین خود وارد شده است. این کمک بهر زنی که کمتر از ۲۰ سال داشته تا دو سال پس از ازواج باردار میشود تعلق میگیرد.

دوم کمک خانوادگی بمعنی واقعی برای کلیه کودکان است که بتحصیل مشغول میشوند و این کمک مستقل از حقوق و یا درآمد معینی است از کودک دوم شروع شده وغالباً کودکان چهارم و پنجم را هم شامل میگردد. مقدار و نسبت پرداخت وابسته بتعداد اطفال است سوم کمک عروسی چه بمناسبت مخارج ازدواج و چه برای تأمین رفاه خانواده جدید برای مثلاً دو سال اول ازدواج.

چهارم کمکهای قبل از زایمان تا میزان ۲۰٪ دستمزد بقصد تأمین غذای مناسب برای دوران بارداری و تأمین قوه خرید بیشتری قبل از زایمان. اعطاء این فوق‌العاده وابسته بمعاینات طبی است.

دیگر از کمکهای که می‌توان آنرا وابسته بکمکهای خانوادگی دانست فوق‌العاده‌های مربوط بمسکن یا اجاره یا خرید مسکن است که بسیار قابل توجه میباشد در دنیای کنونی مسئله مسکن روز بروز اهمیت بیشتری کسب نموده و از مهمترین ابتلائات اجتماعی بشمار میرود.

از مسائل وابسته به بیمه‌های اجتماعی نکات مربوط به منابع مالی و آمار جای بسیار مهمی دارند و امیدوار است که با بحث در اطراف چگونگی سازمان و وضع بیمه‌های اجتماعی از کشورهای مرقی نکات فوق را موضوع مقاله دیگری بنماید.